

## بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر هموارسازی سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر محمدحسین ستایش - استادیار حسابداری دانشگاه شیراز  
اصغر قربانی - دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه شیراز  
مریم گل محمدی - دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه شیراز

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه برخی از جنبه‌های حاکمیت شرکتی با فعالیت هموارسازی سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. از این رو، در پژوهش حاضر، نمونه‌ای شامل ۱۱۰ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۷ مورد بررسی و از یک طبقه‌بندی دو وجهی برای تقسیم شرکت‌ها به دو گروه هموارساز و غیر هموارساز طبقات مختلف سود، استفاده شد. شرکت‌های هموارساز و غیر هموارساز سود بر اساس مدل‌های سود ناخالص، سود عملیاتی و سود خالص تفکیک شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که کیفیت حسابداری بر هموارسازی سود در هر سه سطح موثر می‌باشد. افزون بر آن درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره در هموارسازی سود ناخالص و مالکیت نهادی و مدیریتی در هموارسازی سود عملیاتی و سود خالص عوامل مؤثری محسوب می‌شوند. همچنین، نتایج نشان داد که استقلال هیئت مدیره تأثیری بر هموارسازی سود ندارد.

### کلید واژه‌ها

حاکمیت شرکتی، هموارسازی سود، مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی، استقلال هیئت مدیره.

### ۱- مقدمه

یکی از موضوعاتی که در چند دهه اخیر در بازارهای مالی مطرح شده است «حاکمیت شرکتی» است که پژوهشگران و صاحب‌نظران بسیاری از رشته‌های مختلف همچون

حسابداری، بازرگانی، اقتصاد، حقوق و غیره از زوایای مختلف آن را مورد بررسی قرار داده‌اند و هر کسی از دیدگاه خود به تبیین و تفسیر این موضوع پرداخته است. از سوی دیگر در بین موضوعات پژوهشی در حوزه حسابداری و مالی، شاید هیچ موضوعی تحریک‌آمیزتر از مدیریت سود نباشد. زیرا این موضوع به طور بالقوه حاوی تخلف، کشمکش، زیان، پنهان‌کاری و مفهومی اسرارآمیز است [۲۵].

از طرفی صورت‌های مالی ارائه شده و آثار آن بر بازار سرمایه حاصل اشتراک منافع است که سه گروه کلی، استفاده‌کنندگان، شرکت و حرفه دارند. با این حساب مدیریت شرکت می‌بایستی بسیار محتاطانه عمل کند. چه بسا رفتار مدیر نه تنها به نفع او نبوده بلکه تضاد منافع را نیز در بر داشته باشد. در این باره یکی از راهکارهایی که بسیار مورد توجه شرکت‌ها است، پدیده مدیریت سود اعمال شده از طریق تکنیک‌های مختلف هموارسازی سود و بازخورد آن بر منافع مدیریت است به گونه‌ای که نوسانات نسبی سود را کاهش داده و بازخورد مثبتی را نیز بر منافع استفاده‌کنندگان از جمله قیمت سهام داشته باشد. بنابراین در پژوهش حاضر هموارسازی سود از طریق تاثیر متغیرهای حاکمیت شرکتی، همچون ساختار مالکیت، استقلال هیئت مدیره و کیفیت حسابرسی بررسی می‌شود.

## ۲- مبانی نظری پژوهش

### ۲-۱- حاکمیت شرکتی

در یک نگاه کلی حاکمیت شرکتی را می‌توان شامل ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی دانست که سمت و سوی حرکت و عملکرد شرکت‌ها را تعیین می‌کند. عناصری که در این صحنه حضور دارند عبارتند از سهامداران و ساختار مالکیت ایشان، اعضای هیئت مدیره و ترکیبات آنان، مدیریت شرکت که توسط مدیرعامل یا مدیر ارشد اجرایی هدایت می‌شود و سایر ذینفع‌ها که امکان اثرگذاری بر حرکت شرکت را دارند. در این میان آنچه که بیشتر جلب توجه می‌کند حضور روزافزون سرمایه‌گذاران نهادی و حقوقی در دایره مالکین شرکت‌های سهامی عام و تأثیری است که حضور فعال این گروه بر نحوه حکمرانی بر سازمان‌ها و همچنین عملکرد آن‌ها می‌تواند داشته باشد.

### ۲-۱-۱- ساختارهای مالکیت

هرگونه تغییر در اجزاء ساختار حاکمیت شرکت‌ها به تغییر مسیر حرکت راهبردی و عملکرد آن‌ها و نیز افزایش یا کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌انجامد. در سال‌های اخیر حضور سرمایه‌گذاران مختلف در جمع سهامداران شرکت‌های سهامی عام از رشد چشم‌گیری برخوردار بوده است. کمیت و کیفیت حضور این سرمایه‌گذاران در جمع مالکین شرکت‌های صنعتی به لحاظ تأثیری که بر ساختار مالکیت و نیز نحوه حاکمیت بر سازمان بر جای می‌گذارد، درخور توجه است. در بخش بعدی به توضیح در رابطه با دو نوع ساختار مالکیت (نهادی و مدیریتی) به دلیل تأثیر عمده‌ای که می‌تواند بر روی فعالیت‌های هموارسازی سود داشته باشد، خواهیم پرداخت.

سرمایه‌گذاران نهادی: امروزه دیگر نمی‌توان جامعه‌ای را یافت که در آن اقدام به خصوصی سازی برخی از شرکت‌های دولتی صورت نگرفته باشد، یا دست کم، اجرای آن در دستور کار دولت‌های ذریبط قرار داده نشده باشد. موضوع خصوصی سازی و واگذاری شرکت‌هایی که تحت مالکیت دولت قرار دارند به بخش خصوصی، یکی از مسائل با اهمیت و روز اقتصاد ایران نیز می‌باشد. از مهمترین اهداف خصوصی سازی می‌توان افزایش کارایی، کاهش حوزه فعالیت بخش دولتی، کاهش کسر بودجه، مقررات‌زدایی، افزایش رقابت، توزیع مناسب درآمدها و تامین منافع مصرف‌کنندگان را نام برد.

سرمایه‌گذاران مدیریتی: جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶)، هزینه نمایندگی را هزینه استفاده بیش از حد مدیریت از مزایای جنبی، و راس<sup>۱</sup> و جافی<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) آن را فراغت از زیر کار، طفره رفتن و استفاده از امکانات شغلی مدیران تعریف می‌کنند [۳۰]. همچنین طبق محاسبات کپلن<sup>۳</sup> (۱۹۸۹)، سرمایه‌گذاران (شامل مدیران) سهام سهامداران عام را به طور متوسط ۴۰٪ بیش از ارزش بازار آن سهام خریده‌اند. البته، علت افزایش شدید بهای سهام این شرکت‌ها، اعلام تملک بوده است [۲۱]. بنابراین اعتقاد کلی بر این است که افزایش

---

<sup>۱</sup> - Ross

<sup>۲</sup> - Jaffe

<sup>۳</sup> - Kaplan

درصد مالکیت مدیران از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی موجب کاهش تضاد منافع بین مدیران و سهامداران می‌شود.

## ۲-۱-۲ ویژگی‌های هیئت مدیره

در این پژوهش از بین ویژگی‌های متعددی که در مورد هیئت مدیره مطلوب در ساختار حاکمیت شرکتی مطرح است، تنها دو ویژگی، وجود مدیران غیر موظف در ترکیب هیئت مدیره و عدم وجود مدیر عامل به عنوان رئیس هیئت مدیره (به عنوان شاخص استقلال هیئت مدیره) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مدیران غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره: از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور مدیران غیر موظف در هیئت مدیره شرکت‌ها و عملکرد نظارتی آن‌ها به عنوان افرادی مستقل، به کاهش تضاد منافع موجود میان سهامداران و مدیران شرکت در جلسات هیئت مدیره، کمک شایانی می‌کند. مدیران غیرموظف با دیدگاهی حرفه‌ای و بی‌طرفانه، در مورد تصمیم‌گیری‌های مدیران مذکور به قضاوت می‌نشینند. بدین ترتیب، هیئت مدیره شرکت با دارا بودن تخصص، استقلال و قدرت قانونی لازم، یک ساز و کار بالقوه توانمند شرکت به حساب می‌آید [۲۶].

یکسان بودن رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل: در گزارش کدبری (۱۹۹۲) توصیه شده است که بین اعضای هیئت مدیره، باید توازن قوا وجود داشته باشد تا هیچ‌کس قادر به کنترل "بی‌قید و شرط" فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت نباشد. افزون بر این، تقسیم مسئولیت‌ها در سطح عالی شرکت، باید به روشنی مشخص شده باشد تا از توازن قوا و حدود اختیارات اعضای هیئت مدیره، اطمینان کافی حاصل شود. در گزارش مزبور قید شده است که اگر سمت‌های ریاست هیئت مدیره و مدیریت عامل بر عهده دو شخص مجزا نباشد، آن‌گاه یکی از اعضای ارشد هیئت مدیره باید اعلام کند که شخص مستقل کیست. عدم وجود مدیر عامل شرکت در سمت ریاست هیئت مدیره نقش مهمی در اثربخشی عملکرد هیئت مدیره ایفا می‌کند [۲۸].

## ۲-۱-۳ کیفیت حسابرسی

کیفیت حسابرسی که به صورت مستقیم با حاکمیت شرکتی و ساز و کارهای نظارتی در ارتباط است [۲۴]، دارای یک ساختار پنهان و چند بعدی است. بنابراین تعریف جامعی از کیفیت حسابرسی که در برگیرنده همه انواع حسابرسی و حسابرس باشد وجود ندارد [۱۰]. از این رو، معیارهایی نظیر اندازه مؤسسات حسابرسی، قدمت و نام تجاری مؤسسات به عنوان جانشینی برای کیفیت حسابرسی در نظر گرفته می‌شود [۱۷ و ۱۹ و ۲۲ و ۲۳]. در این پژوهش از یک طبقه‌بندی دو وجهی برای تقسیم نوع مؤسسات حسابرسی به دو گروه، سازمان حسابرسی به عنوان شاخصی از کیفیت و سایر مؤسسات حسابرسی ایرانی، استفاده شده است [۲]. به عبارتی کیفیت حسابرسی، یک متغیر دو وجهی در نظر گرفته شده که شامل احتمال انتخاب سازمان حسابرسی به عنوان شاخصی از کیفیت (موفقیت = صفر) و احتمال انتخاب سایر مؤسسات حسابرسی (شکست = ۱) است.

## ۲-۲- هموار سازی سود

تعاریف ارائه شده از هموارسازی سود متنوع است، به گونه‌ای که هر محقق با توجه به روش مورد استفاده جهت هموارسازی سود، تعریفی ارائه کرده است. بارنا و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۷۴) هموارسازی سود را کاهش عمدی نوسانات سود در چارچوب اصول حسابداری به حدی که برای شرکت‌ها عادی به نظر برسد، می‌دانند [۱۴]. بیلدمن<sup>۲</sup> (۱۹۷۳) هموارسازی سود را تلاش اعمال شده توسط مدیریت جهت کاهش تغییرات غیرعادی در سود و در قالب اصول حسابداری تعریف می‌کند [۱۶]. هر دو تعریف بر دستکاری سود بر اساس سود سنوات گذشته تاکید دارد؛ به گونه‌ای که بازدهی غیرعادی کاهش یافته و سود گزارش شده با سود مورد انتظار یکی شود. از سوی دیگر تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از هموارسازی سود انجام شده است. آلبرت<sup>۳</sup> و ریچاردسون<sup>۴</sup> (۱۹۹۰) و میچلسن و همکاران<sup>۵</sup>

---

۱- Barnea et al.

۲- Beidleman

۳- Albrecht

۴- Richardson

۵- Michelson et al.

(۱۹۹۵)، هموارسازی سود را به دو نوع طبیعی<sup>۱</sup> و ساختگی<sup>۲</sup> تقسیم‌بندی کرده‌اند [۱۳ و ۲۷]. ایکل<sup>۳</sup> (۱۹۸۱) نیز هموارسازی را به دو نوع طبیعی و عمدی تقسیم‌بندی کرده است. هموارسازی طبیعی از یک فرآیند تولید که ایجادکننده سودهای هموار باشد منتج می‌شود، در حالی که هموارسازی عمدی نتیجه روش‌های هموارسازی ساختگی است [۱۲ و ۱۸]. در این پژوهش تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر روی هموارسازی سود، از نوع عمدی یا ساختگی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۳- پیشینه پژوهش

#### ۳-۱- پژوهش‌های داخلی

حساس یگانه (۱۳۸۵) و حساس یگانه و باغومیان (۱۳۸۵) در پژوهش‌های خود به اثربخش بودن هیئت مدیره و سرمایه‌گذاران نهادی در کیفیت حاکمیت شرکتی اشاره کرده‌اند [۵۳].

در پژوهش دیگری که توسط ابراهیمی کردلر (۱۳۸۴) انجام شده است، شرکت‌هایی که مالکیت نهادی در آن‌ها بیشتر است، نسبت اطلاعات سودهای آتی به سودهای جاری که در بازده جاری سهام منعکس شده است، بیشتر است. لذا تقارن اطلاعات در شرکت‌های با مالکیت نهادی زیاد، بیشتر است [۱].

حساس یگانه و پوریان‌نسب (۱۳۸۴) در پژوهش خود بیان می‌کنند که با فعال‌تر بودن سهامدار، نظارت بر عملکرد مدیریت شرکت بهتر انجام می‌شود و مشکلات نمایندگی کاهش می‌یابد. افزون بر این، سرمایه‌گذاران نهادی به عنوان مالکان عمده شرکت، مسئول اثرگذاری بر مدیریت شرکت هستند تا نقش مؤثری در سرمایه‌گذاری آنها ایفا کنند [۴]. مکرمی (۱۳۸۵) با بیان ساختار نوین راهبری بنگاه و ارزش آفرینی برای همه ذینفعان به عنوان شرط اصلی در کارکرد بنگاه، مسئولیت ارزیابی نظام راهبری بنگاه و خروج مدیران از مقررات تعیین شده را مربوط به سهامداران نهادی می‌داند [۹].

---

۱- Natural Smoothing

۲- Artificial Smoothing

۳- Eckel

مشایخ و اسماعیلی (۱۳۸۵)، طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت سود و درصد مالکیت اعضای هیئت مدیره و تعداد اعضای غیر موظف هیئت مدیره رابطه وجود ندارد. اما رابطه‌ای غیرخطی بین اقلام تعهدی و درصد مالکیت اعضای هیئت مدیره مشاهده شد [۷].

ملانظری و کریمی زند (۱۳۸۶) طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین اندازه شرکت و هموارسازی سود همبستگی قوی معکوسی وجود دارد. همچنین تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین شرکت‌های هموارساز سود از نظر نوع صنعت وجود داشته و تنها در سطح سود ناویژه ارتباط ضعیفی بین صنعت و هموارسازی سود مشاهده می‌شود. افزون بر این، ارتباط معنی‌داری بین هموارسازی ساختگی سود با اندازه شرکت وجود داشته است [۸].

مرادی (۱۳۸۶)، طی پژوهشی به این نتیجه رسید که بین اهرم مالی و هموارسازی سود رابطه معنادار منفی وجود دارد. هم‌چنین در شرکت‌هایی که جریان‌های نقدی آزاد بالاتری دارند، بین اهرم مالی و هموارسازی سود رابطه معنادار منفی بیشتری وجود دارد [۶].

### ۳-۲- پژوهش‌های خارجی

بسلی<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) در پژوهش تجربی خود دریافت که حضور اعضای غیرموظف هیئت مدیره، احتمال تقلب در ارائه صورت‌های مالی را کاهش می‌دهد [۱۵].

لیو<sup>۲</sup> و لو<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) در پژوهش خود از متغیرهای درصد سهام در دست مدیران ارشد اجرایی، میزان استقلال هیئت مدیره، محیط قانونی، تأثیر پیشینه، شرایط و وضعیت نهادی بر حاکمیت شرکتی برای اندازه‌گیری رابطه بین مدیریت سود و حاکمیت شرکتی استفاده کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد، درجه مدیریت سود به میزان بااهمیتی با معیارهای اندازه‌گیری حاکمیت شرکتی مرتبط است [۲۵].

ویشواناتان<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) طی پژوهشی به این نتیجه رسید که تعداد اعضای هیئت مدیره عامل مهمی در محدود ساختن مدیریت سود واقعی تلقی نمی‌شود. همچنین تفکیک

---

۱- Beasley

۲- Liu

۳- Lu

۴- Visvanathan

وظایف در رده‌های بالای مدیریتی بر مدیریت سود واقعی اثرگذار نیست. افزون بر این استقلال هیئت مدیره اثر محدودکننده بر مدیریت سود حقیقی دارد [۳۲].

سیرگار<sup>۱</sup> و اتاما<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که شواهد و مدارک ردکننده‌ای در رابطه با تأثیر مالکیت نهادی، اندازه واحد اقتصادی و رویکرد حاکمیت شرکتی بر نوع مدیریت سود به دست آمده است. در پژوهش مزبور هیچ‌گونه شواهدی مبنی بر تأثیر متغیرهای مبین رویکرد حاکمیت شرکتی (کیفیت حسابرسی، استقلال هیئت مدیره و وجود کمیته حسابرسی) بر نوع مدیریت سود به دست نیامده است [۳۱].

گیودهامی و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) طی پژوهشی پس از کنترل عوامل مربوط به اندازه شرکت، اهرم مالی، نسبت موجودی کالا بر کل دارایی‌ها، رشد فروش و تولید ناخالص داخلی سرانه، به بررسی ساختار مالکیت بر انتخاب مؤسسات حسابرسی پرداختند و به این نتیجه رسید که در شرکت‌های مورد مطالعه مالکیت دولتی و مالکیت خارجی دارای ارتباط معنادار منفی با انتخاب چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ هستند [۲۰].

#### ۴- فرضیه‌های پژوهش

به منظور بررسی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر هموارسازی سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، یک فرضیه اصلی و پنج فرضیه فرعی طراحی و مورد آزمون قرار گرفت.

##### فرضیه اصلی:

بین ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و هموارسازی سود، ارتباط معناداری وجود دارد.

##### فرضیات فرعی:

فرضیه ۱: بین مالکیت نهادی و هموارسازی سود رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: بین مالکیت مدیریتی و هموارسازی سود رابطه معناداری وجود دارد.

---

۱- Siregar

۲- Utama

۳- Guedhami et al.



فرضیه ۳: بین درصد اعضاء غيرموظف هیئت مدیره و هموارسازی سود رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۴: بین استقلال هیئت مدیره و هموارسازی سود رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۵: بین کیفیت حسابرسی و هموارسازی سود رابطه معناداری وجود دارد.

### ۵- نحوه جمع آوری داده‌ها

این پژوهش کاربردی است. طرح پژوهش آن از نوع شبه تجربی و با استفاده از رویکرد پس‌رویدادی (از طریق اطلاعات گذشته) است. از روش پس‌رویدادی زمانی استفاده می‌شود که پژوهش‌گر پس از وقوع رویدادها به بررسی موضوع می‌پردازد. افزون بر این، امکان دستکاری متغیرهای مستقل وجود ندارد [۱۱]. داده‌های این پژوهش مبتنی بر ارقام و اطلاعات واقعی بازار سهام و صورت‌های مالی شرکت‌هاست. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. مبانی نظری پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی و لاتین و داده‌های مورد نیاز از طریق مراجعه به صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی، گزارش‌های هفتگی و ماهنامه بورس اوراق بهادار و با استفاده از نرم‌افزارهای دناسهم، صحرا و تدبیرپرداز گردآوری شده است.

### ۶- جامعه آماری و نمونه پژوهش

بازه زمانی این پژوهش پنج سال، از سال ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۷ و جامعه آماری این پژوهش متشکل از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تا ابتدای سال ۱۳۸۳، شامل ۳۸۳ شرکت است. شرکت‌های مورد بررسی به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، باید دوره مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه و همچنین به دلیل ماهیت خاص فعالیت، جزء صنعت بانک‌ها و موسسات مالی نباشد. افزون بر این طی بازه زمانی مذکور تغییر سال مالی نداشته باشد و کلیه اطلاعات مالی و غیرمالی مورد نیاز، از جمله یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی، در دسترس باشد. با توجه به معیارهای ذکر شده، تعداد ۱۱۰ شرکت برای انجام این پژوهش انتخاب شده است.

## ۷- روش پژوهش

در این پژوهش از یک طبقه‌بندی دو وجهی برای تقسیم شرکت‌های مورد بررسی به دو گروه هموارساز و غیرهموارساز طبقات مختلف سود و برای محاسبه هموارسازی سود از شاخص ایکل استفاده شده است. این روش که بر مقایسه ضریب تغییرات سود به ضریب تغییرات فروش استوار است، نخستین بار توسط ایکل مطرح شد و سپس پژوهشگرانی دیگر همچون آلبرت<sup>۱</sup> و ریچاردسون<sup>۲</sup> (۱۹۹۰)، میچلسون<sup>۳</sup> (۱۹۹۵)، آن را برای شناسایی هموارسازی ساختگی به کار گرفتند [۱۳ و ۱۸ و ۲۷]. ارزیابی ضرایب جزئی مدل نیز با استفاده از آماره والد و نسبت شانس هریک از متغیرهای مورد بررسی صورت گرفته است [۲۹]. علاوه بر آن، در پژوهش حاضر مدل رگرسیون لجستیک چند متغیره به روش حذف پسر و به شرح زیر می‌باشد:

$$\text{Smooth}_i = \alpha + \alpha_1(\text{IDUM})_{it} + \alpha_2(\text{IDUM})_{it} + \alpha_3(\text{IDUM})_{it} + \alpha_4(\text{IDUM})_{it} + \alpha_5(\text{IDUM})_{it} + \alpha_6(\text{IDUM})_{it} + \alpha_7(\text{IDUM})_{it} + \beta_1(\text{IO})_{it} + \beta_2(\text{MO})_{it} + \beta_5(\text{UD})_{it} + \beta_6(\text{CEOCHR})_{it} + \beta_7(\text{TA})_{it} + \beta_7(\text{DA})_{it} + \beta_8(\text{LDA})_{it} + \beta_9(\text{SIZE})_{it} + \beta_{12}(\text{AGE})_{it} + \varepsilon_i$$

## ۷-۱- متغیر وابسته

عبارت است از یک متغیر دو وجهی که شامل شرکت‌های هموارساز سود (موفقیت = صفر) و شرکت‌های غیر هموارساز سود (شکست = ۱) است.

## ۷-۲- متغیرهای مستقل

**مالکیت نهادی:** عبارت است از درصد سهام نگهداری شده به وسیله سهامداران نهادی.  
**مالکیت مدیریتی:** عبارت است از درصد سهام نگهداری شده به وسیله اعضاء هیئت مدیره.  
**درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره:** عبارت است از نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل اعضای هیئت مدیره.

---

۱- Albrecht  
۲- Richardson  
۳- Michelson

استقلال رئیس هیئت مدیره از مدیرعامل: عبارت است از متغیری دو وجهی شامل یکسان بودن رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل (عدد یک) و یکسان نبودن آن‌ها (عدد صفر).  
نوع حسابرس: به عنوان شاخصی از کیفیت حسابرسی و به صورت یک متغیر دو وجهی در نظر گرفته شده که شامل احتمال انتخاب سازمان حسابرسی به عنوان شاخصی از کیفیت (موفقیت = صفر) و احتمال انتخاب سایر موسسات حسابرسی (شکست = ۱) است.

### ۷-۳- متغیرها و عوامل تعدیل کننده

اهرم مالی: نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها.

اندازه شرکت: عبارت است از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت.

عمر شرکت: عبارت است از لگاریتم طبیعی سال‌های عمر شرکت از ابتدای تأسیس.

نوع صنعت: در این پژوهش، متغیر نوع صنعت دارای ۸ حالت یا به عبارتی ۸ صنعت می‌باشد که تعداد ۷ صنعت (گروه صنعت ماشین‌آلات، تجهیزات و دستگاه‌های برقی به دلیل این که دارای کمترین تعداد شرکت بوده است حذف شده است) به عنوان متغیر مستقل مجازی در نظر گرفته شده است. هدف از این کار سنجش میزان تعدیل کنندگی نوع صنعت بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و هموارسازی سود است.

### ۸- تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

فرضیه اصلی این پژوهش به بررسی تأثیر برخی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر قابلیت پیش‌بینی هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. کلیه متغیرهای مطرح در فرضیه‌های فرعی اول تا پنجم و سایر متغیرهای کنترلی نظیر اهرم مالی، اندازه شرکت، عمر شرکت و نوع صنعت، برای این پیش‌بینی مورد استفاده قرار گرفته است. همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت تقریباً نیمی از شرکت‌های مورد بررسی بر اساس هر سه مدل از هموارسازی سود برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند که درصد قابل توجهی از شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد. همچنین نتایج اجرای مدل رگرسیون لجستیک به روش گام به گام و حذف پسرو، در نرم افزار SPSS16 برای اولین و آخرین مدل ایجاد شده، در جدول‌های ۲، ۵ و ۸ ارائه شده است.

جدول ۱ - تعداد و درصد شرکت‌های هموار ساز و غیرهموارساز، به تفکیک طبقات سود

درصد شرکت‌های هموارساز و غیرهموارساز		تعداد شرکت‌های هموارساز و غیرهموارساز		تعداد شرکتهای مورد بررسی	طبقات سود
غیرهموارساز	هموار ساز	غیرهموارساز	هموارساز		
%۵۷/۲۷	%۴۲/۷۳	۶۳	۴۷	۱۱۰	سود ناخالص
%۵۳/۶۴	%۴۶/۳۶	۵۹	۵۱	۱۱۰	سود عملیاتی
%۴۹/۰۹	%۵۰/۹۱	۵۴	۵۶	۱۱۰	سود خالص

جدول ۲- نتایج آماری حاصل از آزمون رگرسیون لجستیک- هموارسازی سود ناخالص

مدل آخر	مدل اول	آماره های مدل کلی
۵۹۴/۵۹۲	۵۹۳/۹۷۶	-2 Log-Likelihood
%۲۴/۷۰	%۲۴/۸۰	R <sup>2</sup> کاکس - اسنیل
%۳۳/۲۰	%۳۳/۳۰	R <sup>2</sup> ننگلرک
۱۵۶/۱۹۲	۱۵۶/۸۰۸	آماره کای مربع
۱۷	۱۴	درجه آزادی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معناداری
۷/۱۳۵	۶/۸۶۶	آماره هاسمر و لمشو
۸	۸	درجه آزادی
۰/۵۲۲	۰/۵۵۱	معناداری
%۷۰/۵۰	%۷۱/۵۰	صحت پیش بینی کلی مدل

جدول ۳ - مدل اول: هموارسازی سود ناخالص

نسبت شانس	معناداری	آماره والد	ضریب	نام متغیر
۰/۹۹۵	۰/۱۴۷	۲/۰۹۹	-۰/۰۰۵	درصد مالکیت نهادی
۰/۹۹۵	۰/۶۲۹	۰/۲۳۴	-۰/۰۰۵	درصد مالکیت مدیریتی
۰/۹۷۹	۰/۰۰۵	۷/۸۶۱	-۰/۰۲۱	درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره
۰/۰۰۰	۰/۹۹۹	۰/۰۰۰	-۲۰/۸۰۲	استقلال رئیس هیأت از مدیر عامل
۰/۴۴۶	۰/۰۰۲	۹/۸۷۹	-۰/۸۰۷	نوع حسابرس
۰/۰۳۲	۰/۰۰۰	۲۶/۲۲۶	-۳/۴۴۳	اهرم مالی
۱/۳۲۷	۰/۰۰۲	۹/۲۰۴	۰/۲۸۳	اندازه شرکت
۱/۱۱۳	۰/۶۳۹	۰/۲۲۰	۰/۱۰۷	عمر شرکت
۴/۴۷۰	۰/۰۲۶	۴/۹۵۷	۱/۴۹۷	متغیر مجازی گروه صنایع خودرو و ساخت قطعات
۰/۷۲۷	۰/۶۳۱	۰/۲۳۰	-۰/۳۱۹	متغیر مجازی گروه صنایع سیمان و مصالح ساختمانی
۱/۶۹۶	۰/۴۲۳	۰/۶۴۱	۰/۵۲۸	متغیر مجازی گروه صنایع شیمیایی
۲/۰۶۵	۰/۲۷۸	۱/۱۷۵	۰/۷۲۵	متغیر مجازی گروه صنایع غذایی
۴/۵۹۲	۰/۰۲۴	۵/۰۹۴	۱/۵۲۴	متغیر مجازی گروه صنایع فلزی
۶۰/۰۲۹	۰/۰۰۰	۲۵/۴۲۸	۴/۰۹۵	متغیر مجازی گروه صنایع کانی و معدنی
۲/۰۱۸	۰/۲۸۳	۱/۱۵۱	۰/۷۰۲	متغیر مجازی گروه صنایع مواد و محصولات دارویی
۶/۲۳۴	۰/۹۹۹	۰/۰۰۰	۱۳/۳۴۳	مقدار ثابت

جدول ۴: مدل آخر - هموارسازی سود ناخالص

نام متغیر	ضریب	آماره والد	معناداری	نسبت شانس
درصد مالکیت نهادی	-۰/۰۰۵	۱/۹۶۶	۰/۱۶۱	۰/۹۹۵
درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره	-۰/۰۲۲	۸/۵۴۲	۰/۰۰۳	۰/۹۷۹
استقلال رئیس هیأت از مدیر عامل	-۲۰/۶۷۵	۰/۰۰۰	۰/۹۹۹	۰/۰۰۰
نوع حسابرس	-۰/۸۲۴	۱۰/۴۰۸	۰/۰۰۱	۰/۴۳۹
اهرم مالی	-۳/۴۵۳	۲۶/۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۰۳۲
اندازه شرکت	۰/۲۹۹	۱۰/۸۹۱	۰/۰۰۱	۱/۳۴۹
متغیر مجازی گروه صنایع خودرو و ساخت قطعات	۱/۷۸۳	۲۰/۸۲۷	۰/۰۰۰	۵/۹۴۹
متغیر مجازی گروه صنایع شیمیایی	۰/۷۹۱	۴/۱۰۵	۰/۰۴۳	۲/۲۰۵
متغیر مجازی گروه صنایع غذایی	۰/۹۷۶	۵/۶۰۱	۰/۰۱۸	۲/۶۵۴
متغیر مجازی گروه صنایع فلزی	۱/۷۹۲	۲۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	۶/۰۰۴
متغیر مجازی گروه صنایع کانی و معدنی	۴/۴۴۵	۵۵/۵۸۹	۰/۰۰۰	۸۵/۲۰۲
متغیر مجازی گروه صنایع مواد و محصولات دارویی	۰/۹۸۵	۶/۶۹۴	۰/۰۱۰	۲/۶۷۷
مقدار ثابت	۱۱/۴۱۴	۰/۰۰۰	۰/۹۹۹	۹/۰۶۱

نتایج کلی آماری حاصل از آزمون رگرسیون لجستیک، در بررسی هموارسازی سود ناخالص در جدول شماره ۲ ارائه شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود، شاخص  $R^2$  نگلکرک در مدل اول ۳۳/۳٪ و در مدل آخر ۳۳/۲٪ است که بیانگر قدرت متوسط مدل در توضیح هموارسازی سود ناخالص است. سطح معناداری آماره هاسمر و لمشو نیز بیانگر انطباق مدل‌های ارائه شده با داده‌های واقعی است. قدرت پیش‌بینی مدل‌های ارائه شده در مرحله اول ۷۱/۵٪ و مرحله آخر ۷۰/۵٪ است. جدول‌های ۳ و ۴ نیز نتایج آماری مربوط به

ضرایب جزئی ارائه شده در مدل‌های اول و آخر را نشان می‌دهد. در مدل اول، متغیرهای درصد اعضای غیر موظف هیئت مدیره، نوع حسابرس و اهرم مالی دارای ارتباط معنادار منفی و اندازه شرکت دارای ارتباط معنادار مثبتی با هموارسازی سود ناخالص است. از بین متغیرهای مجازی گروه‌های صنعت نیز، گروه صنایع خودرو و ساخت قطعات، گروه صنایع فلزی و گروه صنایع کانی و معدنی دارای ارتباط معناداری با هموارسازی سود ناخالص هستند. در مدل آخر نیز، درصد اعضای غیر موظف هیئت مدیره، نوع اظهار نظر حسابرس، نوع حسابرس، اهرم مالی و اندازه شرکت، دارای ارتباط معناداری با هموارسازی سود ناخالص هستند. متغیرهای گروه صنایع خودرو و ساخت قطعات، صنایع شیمیایی، صنایع غذایی، صنایع فلزی، صنایع کانی و معدنی و گروه صنایع مواد و محصولات دارویی دارای ارتباط معناداری با هموارسازی سود ناخالص هستند.

جدول ۵: نتایج آماری حاصل از آزمون رگرسیون لجستیک-هموارسازی سود عملیاتی

آماره های مدل کلی	مدل اول	مدل آخر
-2 Log-Likelihood	۵۸۶/۰۶۳	۵۸۸/۲۵۴
R <sup>2</sup> کاکس - اسنیل	٪۲۷/۱۰	٪۲۶/۸۰
R <sup>2</sup> نگلکرک	٪۳۶/۱۰	٪۳۵/۷۰
آماره کای مربع	۱۷۳/۴۸۷	۱۷۱/۲۹۷
درجه آزادی	۱۴	۱۷
معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
آماره هاسمر و لمشو	۹/۴۸۴	۳/۴۱۰
درجه آزادی	۸	۸
معناداری	۰/۳۰۳	۰/۹۰۶
صحت پیش بینی کلی مدل	٪۷۲/۲۰	٪۷۰/۹۰

جدول ۶- مدل اول - هموارسازی سود عملیاتی

نام متغیر	ضریب	آماره والد	معناداری	نسبت شانس
درصد مالکیت نهادی	-۰/۰۰۹	۵/۹۲۳	۰/۰۱۵	۰/۹۹۱
درصد مالکیت مدیریتی	۰/۰۳۶	۹/۲۲۹	۰/۰۰۲	۱/۰۳۶
درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره	۰/۰۱۰	۱/۶۹۸	۰/۱۹۲	۱/۰۱۰
استقلال رئیس هیأت از مدیر عامل	-۲۱/۷۱۶	۰/۰۰۰	۰/۹۹۹	۰/۰۰۰
نوع حسابرس	۱/۱۷۴	۱۸/۴۱۹	۰/۰۰۰	۳/۲۳۴
اهرم مالی	-۱/۱۹۷	۳/۹۷۸	۰/۰۴۶	۰/۳۰۲
اندازه شرکت	-۰/۰۲۸	۰/۰۹۶	۰/۷۵۷	۰/۹۷۳
عمر شرکت	۱/۱۶۳	۲۲/۷۶۹	۰/۰۰۰	۳/۲۰۰
متغیر مجازی گروه صنایع خودرو و ساخت قطعات	۰/۶۰۷	۰/۸۸۷	۰/۳۴۶	۱/۸۳۵
متغیر مجازی گروه صنایع سیمان و مصالح ساختمانی	-۱/۹۳۱	۸/۲۰۲	۰/۰۰۴	۰/۱۴۵
متغیر مجازی گروه صنایع شیمیایی	-۰/۴۶۷	۰/۵۴۲	۰/۴۶۱	۰/۶۲۷
متغیر مجازی گروه صنایع غذایی	۱/۲۱۷	۳/۵۷۴	۰/۰۵۹	۳/۳۷۷
متغیر مجازی گروه صنایع فلزی	۱/۶۸۷	۶/۳۴۵	۰/۰۱۲	۵/۴۰۱
متغیر مجازی گروه صنایع کانی و معدنی	۰/۱۱۹	۰/۰۳۲	۰/۸۵۹	۱/۱۲۷
متغیر مجازی گروه صنایع مواد و محصولات دارویی	۱/۲۸۷	۴/۲۵۵	۰/۰۳۹	۳/۶۲۱
مقدار ثابت	۱۵/۴۷۶	۰/۰۰۰	۰/۹۹۹	۵/۲۶۳



جدول ۷- مدل آخر- هموارسازی سود عملیاتی

نام متغیر	ضریب	آماره والد	معناداری	نسبت شانس
درصد مالکیت نهادی	-۰/۰۰۹	۶/۸۵۷	۰/۰۰۹	۰/۹۹۱
درصد مالکیت مدیریتی	۰/۰۳۷	۹/۷۸۱	۰/۰۰۲	۱/۰۳۷
استقلال رئیس هیأت از مدیر عامل	-۲۱/۴۱۱	۰/۰۰۰	۰/۹۹۹	۰/۰۰۰
نوع حسابرس	۱/۰۴۸	۱۶/۵۴۹	۰/۰۰۰	۲/۸۵۱
اهرم مالی	-۱/۳۱۰	۴/۸۲۳	۰/۰۲۸	۰/۲۷۰
عمر شرکت	۱/۱۰۷	۲۲/۲۳۱	۰/۰۰۰	۳/۰۲۴
متغیر مجازی گروه صنایع خودرو و ساخت قطعات	۱/۰۵۹	۷/۸۵۷	۰/۰۰۵	۲/۸۸۲
متغیر مجازی گروه صنایع سیمان و مصالح ساختمانی	-۱/۴۶۹	۱۲/۰۴۳	۰/۰۰۱	۰/۲۳۰
متغیر مجازی گروه صنایع غذایی	۱/۶۴۱	۱۵/۲۹۳	۰/۰۰۰	۵/۱۶۲
متغیر مجازی گروه صنایع فلزی	۲/۱۷۶	۲۶/۱۸۷	۰/۰۰۰	۸/۸۱۴
متغیر مجازی گروه صنایع کانی و معدنی	۰/۵۷۳	۱/۸۲۱	۰/۱۷۷	۱/۷۷۴
متغیر مجازی گروه	۱/۷۴۸	۲۲/۵۷۸	۰/۰۰۰	۵/۷۴۳

				صنایع مواد و محصولات دارویی
۳/۴۶۹	۰/۹۹۹	۰/۰۰۰	۱۲/۷۵۷	مقدار ثابت

نتایج کلی آماری حاصل از آزمون رگرسیون لجستیک، در بررسی هموارسازی سود عملیاتی در جدول شماره ۵ ارائه شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود نتایج  $R^2$  نگلکریک نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل ۳۶/۱٪ از تغییرات هموارسازی سود را توضیح می‌دهد. افزون بر این سطح معناداری آماره هاسمر و لمشو نیز نشان از مطابقت مدل، با داده‌های واقعی دارد. بررسی مدل سوم نیز حاکی از این است که ۳۵/۷٪ از تغییرات هموارسازی سود عملیاتی، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. در این مدل سطح معناداری آماره هاسمر و لمشو نیز، مطابقت مدل با داده‌های واقعی را نشان می‌دهد. جدول ۶ نیز نتایج آماری مربوط به ضرایب متغیرهای مدل اول ارائه شده در هموارسازی سود عملیاتی را نشان می‌دهد. در مدل اول درصد مالکیت نهادی و اهرم مالی دارای ارتباط معنادار منفی و درصد مالکیت هیئت مدیره و نوع اظهار نظر حسابرس، نوع حسابرس و عمر شرکت دارای ارتباط معنادار مثبت با هموارسازی سود است. از بین متغیرهای مجازی صنعت نیز متغیرهای مجازی گروه صنایع سیمان و کاشی، گروه صنایع فلزی و گروه صنایع مواد و محصولات دارویی، ارتباط معناداری با هموارسازی سود دارند. جدول ۷ نتایج آماری مربوط به ضرایب متغیرهای آخرین مدل ارائه شده در بررسی هموارسازی سود عملیاتی را نشان می‌دهد. در مدل آخر نیز متغیرهای درصد مالکیت نهادی، درصد مالکیت هیئت مدیره، نوع اظهار نظر حسابرس، نوع حسابرس، اهرم مالی و عمر شرکت دارای ارتباط معناداری با هموارسازی سود عملیاتی هستند. از بین متغیرهای مجازی گروه‌های صنعت نیز، گروه صنایع خودرو و ساخت قطعات، صنایع سیمان و کاشی، صنایع غذایی، صنایع فلزی و مواد و محصولات دارویی ارتباط معناداری با هموارسازی سود عملیاتی هستند.

جدول ۸- نتایج آماری حاصل  
 آزمون از رگرسیون لجستیک-  
 هموار سازی سودخالص

مدل سوم	مدل اول	آماره های مدل کلی
۶۲۷/۲۲۵	۶۲۶/۸۷۸	-2 Log-Likelihood
٪۲۱/۸۰	٪۲۱/۸۰	R <sup>2</sup> کاکس - اسنیل
٪۲۹/۰۰	٪۲۹/۱۰	R <sup>2</sup> نگلکرک
۱۳۵/۰۵۵	۱۳۵/۴۰۲	آماره کای مربع
۱۷	۱۲	درجه آزادی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معناداری
۶/۵۹۰	۱۵/۵۴۹	آماره هاسمر و لمشو
۸	۸	درجه آزادی
۰/۵۸۱	۰/۰۴۹	معناداری
٪۶۹/۱۰	٪۶۸/۹۰	صحت پیش بینی کلی مدل

جدول ۹ - مدل اول - هموار سازی  
 سودخالص

نسبت شانس	معناداری	آماره والد	ضریب	نام متغیر
۰/۹۹۱	۰/۰۱۱	۶/۵۱۳	-۰/۰۰۹	درصد مالکیت نهادی
۱/۰۴۹	۰/۰۰۰	۱۶/۰۸۴	۰/۰۴۸	درصد مالکیت مدیریتی
۱/۰۰۱	۰/۹۲۹	۰/۰۰۸	۰/۰۰۱	درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره
۰/۹۹۷	۰/۹۹۷	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۳	استقلال رئیس هیأت از مدیر عامل

۲/۴۱۲	۰/۰۰۱	۱۱/۹۳۵	۰/۸۸۰	نوع حسابرس
۰/۲۵۶	۰/۰۱۴	۵/۹۸۰	-۱/۳۶۲	اهرم مالی
۱/۰۳۹	۰/۶۶۷	۰/۱۸۵	۰/۰۳۸	اندازه شرکت
۲/۴۵۴	۰/۰۰۰	۱۵/۵۴۱	۰/۸۹۸	عمر شرکت
۱/۰۶۲	۰/۹۱۸	۰/۰۱۱	۰/۰۶۰	متغیر مجازی گروه صنایع خودرو و ساخت قطعات
۰/۳۹۱	۰/۱۰۰	۲/۷۱۲	-۰/۹۳۹	متغیر مجازی گروه صنایع سیمان و مصالح ساختمانی
۰/۹۰۸	۰/۸۶۶	۰/۰۲۹	-۰/۰۹۷	متغیر مجازی گروه صنایع شیمیایی
۲/۰۲۵	۰/۲۱۸	۱/۵۱۵	۰/۷۰۵	متغیر مجازی گروه صنایع غذایی
۷/۷۸۴	۰/۰۰۱	۱۰/۱۱۲	۲/۰۵۲	متغیر مجازی گروه صنایع فلزی
۵/۰۱۲	۰/۰۱۲	۶/۲۷۴	۱/۶۱۲	متغیر مجازی گروه صنایع کانی و معدنی
۱/۶۰۰	۰/۴۰۶	۰/۶۹۱	۰/۴۷۰	متغیر مجازی گروه صنایع مواد و محصولات دارویی
۰/۰۰۴	۰/۲۱۰	۱/۵۷۱	-۵/۴۱۵	مقدار ثابت

جدول ۱۰- مدل آخر - هموارسازی سود خالص

نسبت شانس	معناداری	آماره والد	ضریب	نام متغیر
۰/۹۹۱	۰/۰۱۰	۶/۷۰۵	-۰/۰۰۹	درصد مالکیت نهادی
۱/۰۴۹	۰/۰۰۰	۱۶/۰۴۰	۰/۰۴۸	درصد مالکیت مدیریتی
۲/۳۴۷	۰/۰۰۰	۱۴/۰۱۲	۰/۸۵۳	نوع حسابرس
۰/۲۴۱	۰/۰۰۸	۶/۹۵۳	-۱/۴۲۲	اهرم مالی
۲/۴۹۴	۰/۰۰۰	۱۶/۸۰۳	۰/۹۱۴	عمر شرکت

متغیر مجازی گروه صنایع سیمان و مصالح ساختمانی	۰/۹۰۹-	۸/۸۸۳	۰/۰۰۳	۰/۴۰۳
متغیر مجازی گروه صنایع غذایی	۰/۷۵۲	۴/۴۳۵	۰/۰۳۵	۲/۱۲۲
متغیر مجازی گروه صنایع فلزی	۲/۰۶۹	۲۴/۲۹۴	۰/۰۰۰	۷/۹۱۹
متغیر مجازی گروه صنایع کانی و معدنی	۱/۶۵۷	۱۴/۹۸۸	۰/۰۰۰	۵/۲۴۵
متغیر مجازی گروه صنایع مواد و محصولات دارویی	۰/۵۰۶	۲/۸۹۹	۰/۰۸۹	۱/۶۵۹
مقدار ثابت	-۵/۱۴۱	۱۰/۶۰۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶

نتایج کلی آماری حاصل از آزمون رگرسیون لجستیک، در بررسی هموارسازی سود خالص در جدول شماره ۸ ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، شاخص  $R^2$  نگلکرک بیانگر قدرت متوسط مدل‌های ارائه شده در توضیح هموارسازی سود خالص است. صحت پیش‌بینی در مدل اول ۶۸/۹٪ و در مدل آخر ۶۹/۱٪ است. سطح معناداری آماره هاسمر و لمشو نیز بیانگر انطباق مدل با مشاهدات واقعی است.

جدول‌های ۹ و ۱۰ نیز نتایج آماری مربوط به ضرایب متغیرهای مدل اول و آخر را نشان می‌دهد. در مدل اول، درصد مالکیت نهادی و اهرم مالی دارای ارتباط معنادار منفی با هموارسازی سود خالص است. درصد مالکیت هیئت مدیره، نوع اظهارنظر حسابرس، نوع حسابرس و عمر شرکت نیز دارای ارتباط معنادار مثبت با هموارسازی سود خالص هستند. از بین متغیرهای مجازی گروه‌های صنعت نیز، گروه صنایع فلزی و گروه صنایع کانی و معدنی دارای ارتباط معنادار با هموارسازی سود هستند. در مدل آخر نیز، درصد مالکیت نهادی و اهرم مالی دارای ارتباط معنادار منفی و درصد مالکیت هیئت مدیره، نوع اظهارنظر حسابرس، نوع حسابرس و عمر شرکت دارای ارتباط معنادار مثبت با هموارسازی سود هستند. در بین گروه‌های صنعت نیز، متغیرهای مجازی گروه صنایع شیمیایی و مصالح

ساختمانی، صنایع غذایی، صنایع فلزی و صنایع کانی و معدنی دارای ارتباط ارتباط معناداری با هموارسازی سود خالص است.

### ۱۰- بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های حاضر، نشان‌دهنده این است که ساز و کارهای حاکمیت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بر هموارسازی سود شرکت‌ها موثر است، هرچند که میزان تأثیر عوامل مختلف ساز و کارهای حاکمیت شرکتی در سطح کلیه شرکت‌ها و گروه‌های صنعت یکسان نیست. توضیح این که مدل‌های حاصل از مرحله اول و آخر بیانگر آن است که کیفیت حسابرسی بر هموارسازی در هر سه سطح سود مؤثر بوده و لیکن درصد اعضای غیر موظف هیئت مدیره در هموارسازی سود ناخالص، مالکیت نهادی و مدیریتی در هموارسازی سود عملیاتی و سود خالص مؤثر هستند. همچنین نتایج نشان داد که استقلال هیئت مدیره تأثیری بر هموارسازی سود ندارد. بررسی گروه‌های صنعت توسط متغیرهای مجازی نیز بیانگر این است که نوع صنعت به عنوان یک عامل تعدیل کننده، تأثیر به سزائی در بهبود شاخص  $R^2$  نگلکرک و سایر آماره‌های مدل دارد. همچنین نوع صنعت باعث افزایش بالقوه قدرت پیش بینی مدل‌های ارائه شده در مرحله اول و مرحله آخر شده است. به طور کلی نتیجه این که، پس از کنترل عوامل مربوط به اندازه شرکت، اهرم مالی، لگاریتم طبیعی عمر شرکت و نوع صنعت، برخی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر هموارسازی سود شرکت‌ها، موثر هستند.

### منابع و مأخذ

۱- ابراهیمی کردلر، علی. (۱۳۸۴). "تبیین رابطه ترکیب سهامداران با تقارن اطلاعات و سودمندی معیارهای حسابداری عملکرد". رساله دکتری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

۲- ابراهیمی کردلر، علی و سید عزیز سیدی. (۱۳۸۷). "نقش حساب‌رسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری" **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۴۵، صص ۱۶-۳.

- ۳- حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۵). "حاکمیت شرکتی در ایران". **فصلنامه حسابرس**، سال ۸، شماره ۳۲، صص ۳۲-۳۹.
- ۴- حساس یگانه، یحیی و امیر پوریان‌سب. (۱۳۸۴). "نقش سرمایه‌گذاری نهادی در حاکمیت شرکت‌های سهامی" **ماهنامه حسابدار**، شماره‌های ۱۶۴ و ۱۶۵.
- ۵- حساس یگانه، یحیی و رافیک باغومیان. (۱۳۸۴). "حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی" **فصلنامه حسابدار رسمی**. شماره ویژه، دیماه ۱۳۸۴، صص ۴۵-۸۶.
- ۶- مرادی، مهدی. (۱۳۸۶). "بررسی رابطه بین اهرم مالی و هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران" **دو فصلنامه تحقیقات مالی**، شماره ۲۴، صص ۹۹-۱۱۴.
- ۷- مشایخ، شهناز و مریم اسماعیلی. (۱۳۸۵). "بررسی رابطه بین کیفیت سود و برخی از جنبه‌های اصول راهبری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران" **بورسی-های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۴۵، صص ۲۵-۴۴.
- ۸- ملانظری، مهناز و ساناز کریمی زند. (۱۳۸۶). "بررسی ارتباط بین هموارسازی سود با اندازه شرکت و نوع صنعت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران" **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۴۷، صص ۸۳-۱۰۰.
- ۹- مکرمی، یداله. "اصول نظام راهبری بنگاه" **فصلنامه حسابرس**، بهار ۸۵، شماره ۳۲.
- ۱۰- مهدوی، غلامحسین و نریمان کارجوی رافع. (۱۳۸۴). "بررسی تأثیر استانداردهای ملی حسابداری بر کیفیت اظهار نظر حسابرسان مستقل" **مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز**، شماره دوم، دوره بیست و دوم (پیاپی ۴۳)، ۱۴۶-۱۳۲.
- ۱۱- نمازی، محمد (برگرداننده). (۱۳۷۹). **پژوهش‌های تجربی در حسابداری: دیدگاه روش‌شناختی**، چاپ اول، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- 12- Aiysha.Dey (2004), " Income Smoothing and sophisticated investor preference.",(available at www.SSRN.com).

- 13- Albrecht, W. D. and Richardson, F. M. (1990). "Income smoothing by economy sector", **Journal of business finance and accounting**, Vol. 17, No. 5, pp 713.
- 14- Barnea .A,Ronen.J,Sadan.S (1974),"Classificatory smooting of income with extraordinary items" P(111).
- 15- Beasley, M. (1996). "An Empirical Analysis of The Relation Between the Board of Directors Composition and Financial Statement Fraud." **The accounting review**, No. 71, pp. 443-465.
- 16- Beidleman Carl R(1973).,"Income smooting:The role of management ",**The accounting review**.
- 17- DeFond, M. L. (1992). "The Association Between Changes in Client Firm Agency Costs and Auditor Switching." **Auditing: A Journal of Practice & Theory**. Vol. 11, No. 1, PP. 16-31.
- 18- Eckel, N. (1981). "The income smoothing hypothesis revisited. Abacus." 17 (1), 28-40.
- 19- Francis, J. R.; and E. R. Wilson (1988). "Auditor Change: a Joint Test of Theories Relating to Agency Costs and Differentiation. " **The Accounting Review**. pp. 663-682.
- 20- Guedhami, O.; Pittman, J. A.; and W. Saffar (2009). "Auditor Choice in Privatized Firms: Empirical Evidence on the Role of State and Foreign Owners." **Journal of Accounting and Economics**. pp. 151-17.
- 21- Kaplan, Steven (1989). "The Effects of Management Buyouts on Operating Performance and Value." **Journal of Financial Economics**, Vol. 24, pp. 217-254.
- 22- Kane, G. D.; and. U. Velury (2004). "The Role of Institutional Ownership in the Market for Auditing Services: An Empirical Envestigation." **Journal of Business Research**. PP. 976-983.
- 23- Lennox, C. S. (1999). "Audit Quality and Auditor Size: An Evaluation of Reputation and DeepPockets Hypotheses." **Journal of Business Finance & Accounting**, pp.779-805.



- 24- Lin, Z. J.; and M. Liu (2009). "The Impact of Corporate Governance on Auditor Choice: Evidence from China." **Journal of International Accounting, Auditing and Taxation**. pp.44-59.
- 25- Liu, Q.; Zhou (Joe) Lu (2007). "Corporate governance and earnings management in the Chinese listed companies: A tunneling perspective." **Journal of Corporate Finance**, 13, pp. 881-906.
- 26- Marrakchi, C. S, B. Jean, C. Lucie (2004), " Corporate Governance and Earning anagement." available at **www.SSRN.com/abstract=275053**, (April 21, 2001).
- 27- Michelson ,S. E. J. Jordan-Wagner ,C. W. Wootton (1995),"A Market Based Analysis of income smooting", **journal of Business Finance &Accounting**, pp.1179-1193.
- 28- OECD 1998a OECS Economic Surveys (1998): Netherlands, Paris:OECD.
- 29- Peng, C.; Lee, K.; and G. M. Ingersoll (2002). "An Introduction to Logistic Regression Analysis and Reporting." **the Journal of Educational Research**. pp. 3-14.
- 30- Rosse, Westerfield and Jaffe (1990). **Corporate Finance**. 2<sup>nd</sup> Edition, Boston: Irwin.
- 31- Siregar, S.V. and Utama, S. (2008) "Type of earnings management and the effect of ownership structure, firm size and corporate governance practices: Evidence from Indonesia". **The International Journal of Accounting**, 43/1, 1-27.
- 32- Visvanathan, G. (Number 1, 2008) "corporate governance and real earnings management". **Academy of Accounting and Financial Studies Journal**, 12, pp. 9-22.